

## فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه و کلیات .....	۷
۱-۱- طرح مسئله .....	۷
۲-۱- اهمیت موضوع .....	۱۲
۳-۱- سابقه علمی .....	۱۳
۴-۱- سوالات و فرضیه‌های تحقیق .....	۱۶
۱-۴-۱- سوال اصلی تحقیق .....	۱۶
۲-۴-۱- سوالات فرعی تحقیق .....	۱۶
۳-۴-۱- فرضیه اصلی تحقیق .....	۱۶
۵-۱- هدف تحقیق .....	۱۷
۶-۱- روش تحقیق .....	۱۷
۷-۱- سازماندهی تحقیق .....	۱۷
فصل دوم: سیر تحول تفکیک قوا .....	۱۹
۱-۱-۲- نیکولوماکیاولی .....	۲۲
۲-۱-۲- ژان بدن .....	۲۵
۳-۱-۲- توماس هابز .....	۲۸
۲-۲- تعادل قوا .....	۳۱
۱-۲-۲- تعادل قوا در اندیشه یونانیان .....	۳۱
۲-۲-۲- تعادل قوا در اندیشه نیکولوماکیاولی .....	۳۴
۳-۲- مفهوم، پیشینه و انواع تفکیک قوا .....	۳۷
۱-۳-۲- مفهوم تفکیک قوا .....	۳۷
۲-۳-۲- پیشینه تفکیک قوا .....	۳۹
۳-۳-۲- انواع تفکیک قوا .....	۴۱
۴-۲- تفکیک قوا در نظامهای کنونی .....	۴۸
۱-۴-۲- تفکیک قوا در آمریکا .....	۴۸
۲-۴-۲- تفکیک قوا در انگلستان .....	۵۱
۳-۴-۲- تفکیک قوا در فرانسه .....	۵۴

۵۶	۴-۴-۲- تفکیک قوا در ایران .....
۶۱	<b>فصل سوم: دیدگاه لاک درباره تفکیک قوا</b> .....
۶۱	۱-۳- مبانی فکری .....
۶۱	۱-۱-۳- مبانی انسان شناسی .....
۶۸	۲-۱-۱-۳- ذات بشر .....
۸۲	۲-۱-۳- مبانی جامعه شناسی .....
۱۰۸	۲-۳- استلزامات .....
۱۰۸	۱-۲-۳- قرارداد اجتماعی .....
۱۱۵	۲-۲-۳- توزیع قدرت .....
۱۲۱	۳-۲-۳- قانون‌گرایی .....
۱۳۰	۴-۲-۳- پاسخ‌گویی حکام .....
۱۴۱	<b>فصل چهارم: دیدگاه منتسکیو درباره تفکیک قوا</b> .....
۱۴۱	۱-۴- مبانی فکری .....
۱۴۱	۱-۱-۴- مبانی انسان شناسی .....
۱۵۴	۲-۱-۴- مبانی جامعه شناسی .....
۱۷۹	۲-۴- استلزامات .....
۱۷۹	۱-۲-۴- قرارداد اجتماعی .....
۱۸۷	۲-۲-۴- توزیع قدرت .....
۱۹۷	۳-۲-۴- قانون‌گرایی .....
۲۱۵	۴-۲-۴- پاسخ‌گویی حکام .....
۲۲۷	<b>فصل پنجم: نتیجه‌گیری</b> .....
۲۲۷	۱-۵- نتیجه‌گیری .....
۲۴۱	منابع و مأخذ .....
۲۴۱	کتب فارسی .....
۲۴۷	مقالات فارسی .....
۲۴۹	منابع انگلیسی .....

# فصل اول

## مقدمه و کلیات

---

### ۱-۱- طرح مسئله

از دیر باز مقوله حکومت مطلوب و چگونگی رابطه اقتدار سیاسی حکومت از یک سو و حقوق و آزادی‌های فردی از سوی دیگر ذهن متفکران و اندیشمندان سیاسی را به خود مشغول داشته است و هر متفکری براساس دیدگاه خود نسبت به انسان، جهان و جامعه مکانیسم و راهکارهای در این خصوص ارائه داده است. مقوله تفکیک قوا که بر اساس مستندات و شواهد تاریخی در قرون هفدهم و هجدهم توسط جان لاک و شارل منتسکیو مطرح شده است، از جمله چنین راهکارهایی است. البته راهکارهای این دو متفکر محدود و منحصر به مقوله تفکیک قوا نیست و آن‌ها راهکارهای دیگری نیز برای حفظ و حراست از حقوق اساسی و آزادی‌های فردی ارائه داده‌اند که از جمله می‌توان به تأکید آن‌ها بر قانون به مثابه چارچوب و قیودی که قدرت حاکم را محدود و مشخص می‌نماید اشاره کرد و همچنین می‌توان به تأکید منتسکیو بر وجود گروه‌هایی بینابینی و طبقات اجتماعی و یا تأکید لاک بر جدایی دین از سیاست و لزوم رعایت اصل تساهل اشاره نمود.

در هر حال اصل تفکیک قوا به ترتیبی که امروزه حقوق‌دانان و علمای علوم سیاسی از آن بهره می‌گیرند، دستاورد قرون هفدهم و هجدهم است زیرا در این قرون عوامل مختلفی دست به دست هم دادند تا تفکیک قوا مطرح و برجسته گردد و مسائل مربوط به قدرت سیاسی و حکومت در چارچوبه‌ای متناسب با اقتضائات زمانه یعنی آزادی، دموکراسی و رفاه و سعادت فردی مورد توجه خاص قرار گیرند.

این توجه خاص به تقسیم و سرشکن کردن قدرت در جهت رفع هراسی بود که متفکران از تمرکز فسادانگیز و خودکامه‌زای قوا در یک شخص یا نهاد داشته‌اند، چرا که به قول لرد آکتون قدرت فاسد می‌کند و قدرت مطلقاً مطلقاً فاسد می‌کند.

«به عبارت دیگر قدرت به مثابه سیلابی بنیان افکن، به تدریج در بستر زمان دراز آهنگ‌تر می‌شود و دیوارها و سدها و موانع سست و لرزان را از سر راه خود می‌روبد و راه را برای اعمال هرچه بیشتر نظرات شخص یا گروه حاکم هموار می‌کند. در این میان آزادی اسیر دام هوس‌ها و اغراض گردیده، مرغ همایون دموکراسی در فضای جامعه بال و پر می‌ریزد»<sup>۱</sup>.  
از جمله برجسته‌ترین متفکرانی که در خصوص تفکیک قوا نظریه‌پردازی کرده‌اند می‌توان جان لاک و شارل منتسکیو را نام برد که یکی در انگلستان و دیگری در فرانسه قرن هجدهم می‌زیست.

«نظریه سیاسی لاک بر برداشت او از طبیعت بشر استوار است این نظریه نه تنها از لحاظ اخلاقی، غایت یا مقصودی را که دولت از برای آن بوجود می‌آید معین می‌کند بلکه از لحاظ روانشناسی هم شکل دقیق سازمان دولت در این نظریه ارائه و توصیه می‌گردد»<sup>۲</sup>.

در آرای لاک می‌توان دلایل وجود دولت را بر اساس مبنای انسان شناختی و نگرش نسبت به طبیعت بشر تحلیل کرد. مبنای انسان شناختی لاک ارتباط وثیقی با مبنای جامعه شناختی یا به عبارتی با تشکیل اجتماع سیاسی دارد. وی ضرورت وجود دولت را بر اساس مبنای انسان شناسانه و جامعه شناسانه تشریح می‌کند.

۱- ابوالفضل، قاضی، «شان نزول تعادل قوا و نزول شأن آن» نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره سوم، ۱۳۵۰، ص ۱۴۰.

۲- وت. جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، جلد دوم، ترجمه علی رامین، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۲۰۱.

لاک به پیروی از ارسطو انسان را موجودی اجتماعی و مدنی الطبع می‌داند. به عقیده وی چون انسان‌ها عقل دارند، به انگیزه همدلی و عشق و به طور، عقلانی و منطقی رفتار می‌کنند و حقوق یکدیگر را محترم می‌دارند. وی برای تبیین نظریه سیاسی خود دو نوع وضع در نظر می‌گیرد: یکی وضع طبیعی و دیگری وضع مدنی یا اجتماعی. وضع طبیعی از نظر لاک وضع آزادی و برابری انسان‌هاست و انسان‌ها در صلح و خردمندی زندگی می‌کنند. اما انسان‌ها در وضع طبیعی تمایل دارند که محیط اجتماعی و وضع زندگی خود را از شرایط موجود مطلوب‌تر نمایند. «از نظر وی وضع طبیعی سه عیب بزرگ داشت اول آنکه در وضع طبیعی قانون مستقر، نوشته و شناخته شده‌ای وجود نداشت، ثانیاً قاضی شناخته شده و بی‌طرفی برای حل اختلاف نظر در تفسیر قوانین طبیعی وجود نداشت ثالثاً هیچ قوه اجرایی برای عملی کردن قضاوت‌ها وجود نداشت».<sup>۱</sup>

انسان‌ها تشخیص دادند که با سازمان دادن به یک جامعه مدنی و ایجاد ابزارهایی که عیب‌های اشاره شده را رفع کند ممکن است وضع طبیعی بهتر از آنچه هست شود و با قراری اجتماعی که بین خود گذاشتند وارد وضع اجتماعی شده و جامعه مدنی را سازمان دادند. بر این اساس، حکومت از راه بستن یک قرارداد بین مردم به وجود آمد و مردم عده‌ای را مأمور وظایف معینی کردند که به صورت حکومت درآمدند. از آنجا که قدرت فساد انگیز و وسوسه کننده است حاکمان را به سمت استبداد می‌کشاند، لاک راهکار تفکیک قوا را ارائه داد.

از این منظر، جان لاک نخستین نویسنده و متفکری است که نظریه‌ای درباره تفکیک قوا در کتاب معروف خود با عنوان رساله‌ای در باب حکومت مدنی ارائه داده و سه قوه مقننه مجریه و متحده (فدراتیو) را بر می‌شمرد که از این میان دو قوه قانون‌گذاری و اجرایی هرگز نباید در اختیار یک نهاد یا شخص باشد زیرا در چنین وضعیتی خطر سوء استفاده از قدرت پیش می‌آید. همچنین وی وظایف هر سه قوه را بیان می‌کند و اعتقاد دارد که «در هر جامعه‌ای علاوه بر دو قوه مقننه و مجریه قوه دیگری به نام فدراتیو وجود دارد که وظایف مربوط به

۱- عبدالرحمان، عالم، اندیشه سیاسی در غرب (عصرجدید و سده نوزدهم)، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۷.

سیاست خارجی را بر عهده دارد و لازم نیست که یک هیات خاص آن را اعمال کند بلکه این اختیار به قوه مجریه سپرده شده هیات مزبور تحت اراده قوه مجریه به تنظیم امور خارجی می‌پردازد.<sup>۱</sup> از نظر لاک در این تفکیک شاخه‌های حکومت برابر نیستند بلکه نکته قابل توجه اینکه قوه مقننه بر قوای دیگر از جمله قوه مجریه برتری دارد جان لاک حکومت آرمانی خود را در رساله‌ای در باب حکومت مدنی شرح می‌دهد. به عقیده لاک در هر کشوری قوه قانون‌گذاری قوه برتر است اما دولتی که دارای سازمان مطلوب است نیازمند قوه اجرایی که منفک از قانون‌گذاری است می‌باشد. لاک دلایل وجود قوه مجریه و تفکیک آن از قوه قضاییه را شرح می‌دهد. به عقیده وی قوانین موضوعه توسط قوه قانون‌گذار تصویب می‌شوند ولی چون عمر دوره قانون‌گذاری کم است چه بسا افرادی که در قوه قانون‌گذاری هستند و سوسه شوند و برای احراز قدرت بیشتر میل کنند که قوه اجرایی را هم بدست آورند.

منتسکیو نیز در کتاب پرآوازه خود روح القوانین وضع طبیعی را شرح داده است. به عقیده وی در وضع طبیعی فقط قوانین طبیعی بر زندگی انسان‌ها حاکم بوده است و انسان موجودی ترسو و بزدل بوده که در خود جز ناتوانی و ضعف چیزی را احساس نمی‌کرده است و هرکس خود را فرومایه‌تر از دیگران می‌دانسته و هرگز جرأت حمله به دیگری را نداشته است.

وی به برخی از قوانین طبیعت اشاره می‌کند که نخستین آنها صلح است و قانون دوم در وضع طبیعی بدست آوردن خوراک است سومین قانون طبیعی غریزه همزیستی و زندگی در اجتماع است. وی به قوانین طبیعی دیگری نیز اشاره می‌کند.

از نظر منتسکیو یکی دیگر از قوانین طبیعت میل به زندگی در اجتماع است. به عقیده منتسکیو اجتماع سیاسی یک امر طبیعی است اما وقتی انسان‌ها در اجتماع سیاسی قرار می‌گیرند آن برابری را که همه آنها در وضع طبیعی دارند از دست می‌دهند. همین طور حس ضعف خود را از دست می‌دهند از آن پس اجتماعات خاصی پدیدار می‌شوند و انسان‌ها در راه دست یافتن به هدف‌ها به ستیز می‌پردازند. در درون این اجتماعات هم افراد برای بدست